

آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی

عنوان پژوهش

بررسی مفهوم «مصالح عمومی»

شماره مسلسل: ۱۳۹۵۰۰۳۶

تاریخ: ۱۳۹۵/۰۶/۳۱



شناسنامه

عنوان:

**آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی
بررسی مفهوم «مصلح عمومی»**

مؤلف:

علی فتاحی زفرقندی

ناظر علمی:

علی بهادری جهرمی

دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۹۵۰۰۳۶

تاریخ انتشار: ۱۳۹۵/۰۶/۳۱

پژوهشکده شورای نگهبان



فهرست مطالب

۲	مقدمه
۳	چکیده
۴	مقدمه
۴	۱- مفهوم مصالح عمومی.....
۶	۲- بررسی واژگان مشابه.....
۷	۱-۲. منفعت عمومی.....
۷	۳- مبانی فقهی و حقوقی مصالح عمومی.....
۷	۱-۳. مبانی فقهی رعایت مصالح عمومی.....
۹	۲-۳. مبانی حقوقی رعایت مصالح عمومی.....
۱۰	۴- مصالح عمومی در نظام جمهوری اسلامی ایران.....
۱۵	جمع بندی
۱۶	منابعی جهت مطالعه‌ی بیشتر
۱۷	منابع و مأخذ

مقدمه

در تحقیق و تتبع پیرامون هر گرایش علمی، گام اول آشنایی با مفاهیم پایه‌ای آن علم است. حقوق عمومی به عنوان شاخه و گرایشی از علم حقوق از این قاعده مستثنا نیست و آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی درگاهی برای ورود و اظهارنظر در موضوعات مرتبط با آن می‌باشد.

از سوی دیگر تأسیس حکومتی برمدار مختصات اوامر الهی نیازمند به نهادها و سازوکارهایی متناسب با آن است. بر این اساس نظام سازی اسلامی پس از تشکیل حکومتی بر مبنای اصول و احکام شریعت مقدس اسلامی ضروری به نظر می‌رسد. حرکت در مسیر این امر مستلزم آشنایی با مفاهیم علمی، مطالعه مبانی و نقد و بررسی آنها بر اساس اندیشه ناب اسلامی است. در این میان مفاهیم حقوق عمومی به عنوان گرایش تخصصی رشته حقوق که به بررسی کلان موضوعات مرتبط با حوزه حکومت و حدود اختیار آن، روابط مردم با فرمانروایان و مباحث مشابه آن می‌پردازد از اهمیت والایی برخوردار است.

در همین راستا، موضوع بازخوانی مفاهیم حقوق عمومی در دستور کار دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی پژوهشکده شورای نگهبان قرار گرفته است. هدف از این امر آشنایی با تعاریف مفاهیم، تاریخچه، اقسام و انواع، بررسی مبانی آن در حقوق موضوعه و مطالعه تطبیقی با مبانی اسلامی و بررسی موضوع در قوانین و سازوکارهای حقوقی نظام جمهوری اسلامی ایران و ارائه نقد و تحلیلی اجمالی از آن است تا به این واسطه گام نخست در عرصه نظام سازی اسلامی برداشته شود.

چکیده

رعایت مصلحت عموم جامعه و احقاق آن، یکی از اهداف اولیه و اصلی هر حکومتی است. منظور از مصلح عمومی، خیر و صلاح مشترک جامعه است که تضمین کننده رعایت حقوق، ارزش‌ها و اهداف یک نظام سیاسی است که تأمین آن‌ها نیازمند اتخاذ تصمیمات مختلفی از جانب حاکمان در موقعیت‌ها و شرایط گوناگون است. شناخت این که مصلحت عمومی در یک جامعه چیست و چه تصمیماتی موجب تأمین این مصلح می‌شود از موضوعاتی است که در هر جامعه‌ای با توجه به مختصات خاص آن متفاوت خواهد بود؛ اما نقطه مشترک و مورد اتفاق همگان بر این است که تحقق مصلح عمومی از وظایف اصلی حکومت و حتی از نگاه برخی هدف آن به حساب می‌آید. موضوع مصلح عمومی دارای مبانی فقهی و حقوقی مختلفی است و از دو جنبه فقهی و حقوقی نیز به آن پرداخته شده است. رعایت مصلح عمومی اگر چه وظیفه عام همه نهادهای حاکمیتی است، اما در هر نظام سیاسی نهادهای خاصی نیز برای تشخیص این مصلح در موارد خاص تشکیل می‌گردند. مجمع تشخیص مصلحت نظام را می‌توان نهاد خاصی در نظام جمهوری اسلامی ایران دانست که به صورت خاص رعایت مصلحت را در نظام سیاسی حقوقی کشورمان دنبال می‌نماید.

کلیدواژگان

مصلحت، مصلح عمومی، منفعت عمومی

مقدمه

مصالح عمومی یکی از واژگانی است که علاوه بر عرف در اندیشه علوم سیاسی و حقوق عمومی نیز دارای کاربرد فراوانی است، تا جایی که برخی هدف حکومت‌ها را با تحقق مصالح عمومی پیوند می‌زنند و اصلی‌ترین وظیفه‌ی یک رژیم سیاسی را تشخیص صحیح و به منصفی ظهور رساندن مصالح عمومی می‌دانند. از سوی دیگر، به نظر دستیابی به تعریف و شناخت دقیق ابعاد و زوایای این اصطلاح امری سهل و ممتنع می‌باشد؛ چرا که علاوه بر کاربرد عامه دارای معنای متغیری است که این امر خود سبب تفاوت در برداشت‌های علمی دانشمندان از عبارت مصالح عمومی شده است. (قربانزاده‌سوار، ۱۳۸۱، ۵۴) عبور از این چالش مستلزم شناخت دقیق واژگانی و اصطلاحی و مبانی فقهی و حقوقی مصالح عمومی است. در نهایت نیز در این نوشتار تاریخچه و ساختار تشخیص مصلحت در نظام جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- مفهوم مصالح عمومی

جهت بررسی و مطالعه مفهوم مصالح عمومی ابتدا مفهوم مصالح بیان می‌گردد. پس از آن با اشاره‌ای به مفهوم عمومی به تعاریف ارائه شده از اصطلاح «مصلح عمومی» در ادبیات حقوقی خواهیم پرداخت و مفهوم مورد نظر از این عبارت را بررسی خواهیم کرد.

مصلح در لغت جمع مصلحت است (سعدی، بیتا، ۲۱۶) و مصلحت در ادبیات عرب برگرفته از صِلَح و در برابر مفسده بوده (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۲، ص ۵۱۶) و به معنای صلاح دانستن و نیکو پنداشتن است. (شرتونی، ۱۴۰۳، ج ۱، ۶۵۶) در زبان فارسی نیز مصلحت در مقابل مفسده و به معنای صواب، شایستگی و صلاح، آنچه موجب سود و آسایش باشد، هر آن چیزهائی که خیر و صلاح مردم مربوط به آن است، (دهخدا، ۱۳۷۷، مصلحت) خیرخواهی و نیک‌اندیشی (معین، ۱۳۸۸، مصلحت) به کار می‌رود. و در ادبیات انگلیسی واژه expedience معادل این مفهوم می‌باشد. (ایران پناه، ۱۳۸۵، ۲۶۱)

پیرامون «مصلحت» معانی اصطلاحی مختلفی ارائه گردیده است. برای نمونه مصلحت را از منظر علم فقه می‌توان به دو قسم تقسیم نمود: اول مفهوم خاص مصلحت که در فقه شیعه به عنوان یکی از عناوین ثانویه، در هنگام عدم امکان اجرای احکام اولیه

و مستند به احکام حکومتی مورد بررسی قرار می‌گیرد (شریعتی، ۱۳۸۷، ۱۸۶) و دسته دوم مصلحت به مفهوم عام آن است که در دیدگاه فقها، حقیقتی است که بر یک فعل مشروع مترتب می‌گردد و در نتیجه آن، کمال و هدف ناشی از عمل محقق می‌شود. (ادیانی، ۱۵، ۱۳۹۰، قمی، ۱۳۰۳، ۸۵، مرعشی، ۱۳۷۱، ۱۲-۱۵)

حقوقدانان نیز مفهوم مصلحت را مورد مطالعه قرار داده‌اند و معتقدند مصلحت به معنای جلب نفع و دفع ضرر به نفع اکثر می‌باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ج ۵، ۳۳۸۸) به عبارت دیگر در ادبیات حقوقی اموری که نیازهای واقعی بشر را برای رسیدن به سعادت تأمین می‌نماید مصلحت نامیده می‌شود. (علی احمدی، ۱۳۷۸، ۲۸۷) دانشمندان غربی نیز به بیان تعریف مصلحت پرداخته‌اند؛ برای نمونه جان لاک مصلحت را زندگی متعارف انسان در اجتماع می‌داند که در آن از آزادی، بهداشت، فراغت و امکانات ظاهری بهره‌مند است. (تقوی، ۱۳۷۸، ۲۴۷) مطالعه‌ی تعاریف ارائه شده به وسیله اندیشمندان مسلمان و دانشمندان غربی نشانگر آن است که آنچه در تعریف مصلحت مشترک است، تشخیص خیر از شر و صلاح از فساد است که این امر در نظام‌های مختلف حقوقی بر اساس معیارها و شاخصه‌های مورد قبول متفاوت می‌باشد. به عنوان مثال در اندیشه اسلامی مصلحت مربوط به امور دنیا و آخرت مردم توأمان است و آن چیزی خیر و صلاح انسان محسوب می‌گردد که سود دنیا و آخرت را برای او در پی داشته باشد. (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ۴۶۶)

در خصوص واژه‌ی «عمومی» نیز در ادبیات فارسی نمایانگر منسوب به عموم بوده و در برابر «خصوصی» قرار دارد و به معنای منسوب به عموم، همگانی، عام، کلی و آنچه متعلق به عموم باشد به کار رفته است. (معین، ۱۳۸۸، عمومی و دهخدا، ۱۳۷۷، عمومی)

بنابراین قید «عمومی» در «مصلح عمومی» که یک قید وصفی است به معنای توسعه مفهوم مصلح به عامه یا اکثریت مردم به صورت بالقوه یا بالفعل است (عمید زنجانی - موسی زاده، ۱۳۸۹، ۵۶۴) بر این اساس چنانچه مصلح اکثریت جامعه با اقلیتی اعم از افراد و جناح‌ها و... در تعارض باشد آنچه دارای اهمیت می‌باشد مصلحت عموم یا همان اکثریت افراد است. (موسوی خلخالی، ۱۴۲۲، ۵۲)

با مطالعه‌ی مفهوم هر یک از واژگان «مصلح» و «عمومی» می‌توان به تعریفی از اصطلاح «مصلح عمومی» دست یافت، اما به منظور تکمیل به برخی از تعاریف ارائه

شده از عبارت «مصالح عمومی» نیز اشاره می‌گردد.

برخی مصالح عمومی را اقداماتی می‌دانند که خواست انسان را به مشارکت مثبت و سازنده در تمدن ارتقا می‌دهد و در جهت خدمت و نفع او قرار دارند چرا که این اعمال موجب پیشبرد خیر همه می‌گردد. (راسخ، ۱۳۸۱، ۱۱۷) در تعریف دیگری از این مفهوم آمده است که مصالح عمومی تامین حقوق، حفظ ارزش‌ها و تحقق اهداف انسانی در موقعیت‌های گوناگون است. (حسن زاده، ۱۳۸۸، ۵۳)

بر اساس تعاریف فوق می‌توان گفت مفهوم مختار از مصالح عمومی، رعایت خیر و صلاح مشترک جامعه است که متضمن رعایت حقوق، ارزش‌ها و اهداف یک نظام سیاسی است و مستلزم اتخاذ تصمیمات گوناگون متناسب با موقعیت پیش آمده است. با این توصیف هنگامی که از مصالح عمومی در حکومت اسلامی سخن به میان می‌آید می‌توان گفت مقصود از آن، اشاره به آن دسته از اعمال و اقداماتی دارد که در رساندن عموم افراد موجود در جامعه به هدف غایی خلقت و تحقق مقاصد شارع مقدس مؤثر می‌باشد. (علیدوست، ۱۳۸۸، ۸۷)

یکی از اصطلاحاتی که در مفهوم مصالح عمومی به کار می‌رود اصطلاح مصالح عامه است که در تعریف آن می‌توان گفت مصالح عامه آن مصالح و خیرهایی است که اکثر افراد جامعه در آن ذینفع هستند که از مصادیق آن در ادبیات رایج حقوق عمومی حاکمیت ملی و انتخابات آزاد می‌باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ج ۵، ۳۳۸۰) در ادبیات فقهی و سیاسی عرب نیز، عبارات الخیر العام، نفع العام، السعاده العامه، الصالح العام، مصالح الناس، مصالح المعاش و... معادل مصالح عمومی به کار رفته است و در تعریف آن می‌توان گفت مقصود از این عبارات حمایت از خیر و صلاح مشترک و مصالح مجموع افراد جامعه است که این امر متضمن مساوات میان مردم، جانبداری نکردن از یک گروه خاص و عدم غفلت از حقوق سایر اعضای جامعه می‌باشد (الکیالی، ۱۹۹۰، ج ۳، ۵۴۹)

۲- بررسی واژگان مشابه

در کنار اصطلاح مصالح عمومی می‌توان مفاهیم مشابهی را مشاهده نمود، که مطالعه‌ی آن در فهم دقیق این اصطلاح راهگشا می‌باشد.

۲-۱. منفعت عمومی

منفعت عمومی هر آن چیزی است که همگان از آن منتفع می‌گردند و به بیان دیگر هر نوع اقدامی است که موجب ایجاد منفعت و سود برای عموم گردد. (موسی زاده، ۱۳۹۱، ۱۲۷) به بیان دیگر می‌توان گفت نفع عمومی در برگیرنده‌ی منافع مشترک همه‌ی اعضای یک گروه است. (انصاری، ۱۳۸۱، ۸۱) از رویکرد دیگر منفعت عمومی هر آن چیزی است که نیازهای مشروع شهروندان را محقق نماید. (عباسی، ۱۳۸۹، ۱۵۱) با توجه به تعاریف ارائه شده و تعاریفی از این دست می‌توان گفت منفعت عمومی هر آن چیزی است که برای عموم افراد جامعه ارزشمند و سودمند تلقی می‌گردد.

۳- مبانی فقهی و حقوقی مصالح عمومی

در ادامه به بررسی مبانی و پایه‌های فقهی و حقوقی رعایت مصالح عمومی خواهیم پرداخت:

۳-۱. مبانی فقهی رعایت مصالح عمومی

رعایت مصالح، اقتضای ولایت بوده و اساسا در اندیشه اسلامی، مبنای اعطای ولایت به ولی، رعایت مصلحت مولی علیهم است. در اثبات این مدعا ادله‌ای نیز از سوی فقها و اندیشمندان اسلامی مطرح شده است. ولایت واژه‌ای عربی از ریشه (و ل ی) است که در لغت عرب به معانی محبت، نصرت، نزدیکی، تدبیر، قیام به امر و ملک امر، سرپرستی، زعامت، امارت دولت، سلطان (طریحی، ۱۴۰۸، ج ۱، ۴۵۵-۴۵۸؛ ابی‌الحسین احمد بن فارس بن زکریا، ۱۴۱۱، ج ۶، ۱۴۱) و در ادبیات فارسی به معنای تسلط داشتن، حکومت نمودن، پادشاهی و فرمانروایی معین، ۱۳۸۸، ولایت) آمده است.

مقصود از ولایت در فقه نیز امارت و سلطنت بر جان، مال و هر یک از امور دیگران (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۴، ج ۲، ۲) و در ادبیات حقوقی تصدی، مهتری، شغل و منصب مهم می‌باشد و مقصود از ولایت سلطانیه تصدی مناصب مهم حکومتی است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ج ۳۸۵۰ و ۳۸۴۹)

ولایت در معنای بر عهده گرفتن کارها و تصرف در امور در مقابل عداوت به معنای تجاوز و تعدی به دیگران قرار دارد. بر همین اساس رفتار متناسب با مصالح دیگران و تصدی امور افراد متناسب با مصلحت مولی علیهم است که ولایت نامیده

می‌شود و در مقابل رفتاری که متناسب با مصلحت نبوده و مفاسدی در پی دارد در مقابل مفهوم ولایت قرار می‌گیرد. (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۱، ۱۴۷) به بیان دیگر سپردن ولایت و سرپرستی امور هر گروهی به فرد یا افراد دیگر اقتضا دارد که مطابق با مصالح آن گروه عمل گردد. (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۶، ۴۶۹) بنابراین اقتضای ثبوت ولایت یا همان تصرف در امور دیگران که به وسیله مقامات عمومی صورت می‌گیرد، رعایت مصالح عامه‌ی اسلام و مسلمین است. (موسوی خلیفائی، ۱۴۲۲، ۵۶۹) چرا که صاحب ولایت یا همان مقام عمومی با اراده خویش در شئون گوناگون زندگی افراد تأثیر می‌گذارد و در آن تصرف می‌نماید که این امر مستلزم در نظر گرفتن مصالح عمومی در همه تصمیمات و اقدامات است. (طهرانی، ۱۴۲۱، ج ۱، ۳۳) در نتیجه می‌توان گفت که محدوده تصرف ولی تنها در چارچوب تأمین مصالح مولی‌علیهم است و بر همین اساس امام خمینی (ره) معتقدند اصل اولی در هر ولایتی مقید به مصلحت بودن است و این بر عهده حاکمان حکومت اسلامی است که با پذیرش ولایت صلاح و خیر مردم را نیز در نظر بگیرند. (خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲، ۶۱۹)

علاوه بر آن که اقتضای پذیرش مفهوم ولایت و سرپرستی عمل نمودن مطابق با مصالح افراد تحت ولایت است، مطالعه‌ی ابواب گوناگون فقه که در آن سخن از ولایت به میان آمده است نشانگر آن است که این نوع تصدی به منظور در نظر گرفتن مصالح افراد است و در صورت خروج از این اصل ولایت ساقط می‌گردد. برای نمونه یکی از موارد ولایت در فقه شیعه ولایت پدر و یا جد پدری بر دختر باکره‌ی رشیده می‌باشد که علت وضع آن رعایت مصلحت دختر است و در صورتی که پدر یا جد پدری درباره مورد مناسبی مخالفت نماید و مصالح مولی‌علیها را رعایت نکند ولایت او ساقط می‌گردد. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۹، ۳۹۴) نمونه دوم ولایت متولی وقف بر اموال موقوفه است. بر این اساس متولی اموال موقوفه موظف است که تصرف در اموال واقف را تنها محدود به موارد مجاز از طرف وی نماید از همین رو شارع مقدس شرایطی را برای متولی بیان نموده‌اند که یکی از آنها رشد یا تشخیص مصالح از مفاسد است تا مال در جهت موضوع وقف و مصالح موقوف علیهم اداره گردد. (جناتی شاهرودی، بی‌تا، ۴۳۶) بنابراین تصدی و تصرف یا همان ولایت متولی محدود به رعایت مصالح است و در صورتی که وی این توانایی را از دست دهد حاکم اسلامی موظف است فرد دیگری را جایگزین او نماید. (بهجت فومنی، ۱۴۲۸، ج ۴، ۲۵۴)

در نتیجه می‌توان گفت از آن جا که در عرصه‌ی حقوق عمومی مقامات حکومت اسلامی در حدود وظایف و اختیارات خود، اعم از اختیارات تصمیم‌گیری و اجرا در شئون مختلف زندگی فردی و اجتماعی مردم تصرف می‌نمایند و تصدی بسیاری از امور نظام مبتنی بر حاکمیت شریعت را بر عهده دارند؛ دارای ولایت هستند و اقتضای ولایت، عمل مطابق مصالح مولی‌علیهم است.^(۱)

۲-۲. مبانی حقوقی رعایت مصالح عمومی

اندیشمندان حقوق عمومی و اندیشه سیاسی از گذشته‌های دور تا کنون معتقدند یکی از مبانی اصلی تشکیل و از وظایف مهم حکومت‌ها فارغ از محتوای آن‌ها تشخیص و اقدام مطابق با مصالح عموم مردم جامعه است و این موضوع در تعیین حکومت‌ها نقش ذاتی ایفا می‌نماید (قربانزاده‌سوار، ۱۳۸۱، ۷۱) به عبارت دقیق‌تر مجموعه نظریات مطرح پیرامون اقسام حکومت‌ها در عالم حقوق عمومی و اندیشه سیاسی به منظور تأمین هر چه بهتر و بیشتر مصالح عمومی است. (ولف، ۱۳۸۹، ۱۰۴)

برای نمونه از نظر ارسطو مصالح عمومی نقش عمده و اساسی در تعیین انواع حکومت‌ها، اقسام اقتدار و اهداف نظام‌های سیاسی دارد. (منصورنژاد، ۱۴۲۰، ۱۳۷۸) او بر مدار مصلحت عموم جامعه نظام‌ها را به دو دسته درست و منحرف تقسیم می‌نماید و مقصود او از حکومت درست آن حکومتی است که چه یک نفر، چه جمع خاص و چه اکثریت حکومت کنندگان به دنبال تحقق صلاح مردم باشند. (ارسطو، ۱۳۷۱، ۱۱-۲۰) بنابر این عقیده، حکومتی که به دنبال مصالح عموم جامعه نباشد مستحق حکومت کردن نیست. آکوئیناس مصالح عمومی را هدف حکومت‌ها بر می‌شمرد و معتقد است فرمانروایی هنگامی بر حق خواهد بود که حاکمان جامعه را به سوی مصالح فردی و جمعی سوق دهند. (ردهد، ۱۳۷۳، ۵۲) هابز نیز عامل مصلحت را به عنوان علت تحقق سپردن حقوق شخصی تک تک افراد جامعه به حاکم مقتدر می‌داند تا از این طریق

۱. با مطالعه منابع فقه شیعه می‌توان ادله دیگری هم چون وجوب رعایت مصلحت از منظر فقهای امامیه (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۹۲ و خمینی، بی‌تا، ج ۲، ۶۲۶)، رعایت مصلحت اقتضای امانتی بودن حکومت (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ۶۶) و رعایت مصالح عمومی در سیره و سنت نبوی و علوی (سلیمی، ۱۳۷۹، ۱۰) اشاره نمود. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک: بهادری جهرمی علی، اصول حاکم بر تصمیم‌گیری مقامات سیاسی در حکومت اسلامی، رساله دکتری دانشکده حقوق پردیس فارابی دانشگاه تهران، ۱۳۹۴، صص ۶۷ تا ۷۶

جامعه سیاسی از هراس و ناامنی نجات یابد. (منصورنژاد، ۱۳۷۸، ۱۵۱-۱۵۳) جان استوارت میل در مقام بررسی حکومت‌های خوب و بد و بیان شاخصه‌ی بازشناسی چنین حکومت‌هایی عامل نهایی را مصالح عمومی می‌داند. از منظر وی هنگامی که حکمرانان تنها به مصالح خصوصی خود بیاندیشند و به مصالح عمومی بی‌اعتنا باشند استقرار حکومت خوب غیر ممکن است (میل، ۱۳۸۹، ۵۶-۶۶)

ژان ژاک روسو در کتاب قرار داد اجتماعی پیرامون نقش مصالح عمومی در حکومت‌ها به دو نکته با اهمیت اشاره می‌نماید؛ او معتقد است از یکسو هدف غایی حکومت‌ها تحقق خیر عمومی است و از سوی دیگر تضاد میان منافع خصوصی با یکدیگر که ضرورت تشکیل و استمرار نظام‌های سیاسی را متبادر به ذهن می‌نماید از طریق تشخیص خیر عمومی مرتفع می‌گردد (روسو، ۱۳۹۲، ۱۳۹)

در مقام جمع بندی می‌توان گفت تحقق مصالح عمومی، رعایت منافع و جلوگیری از مفاسد، یکی از مبانی و اهداف حکومت‌های گوناگون تلقی می‌گردد و هر حکومتی بدون در نظر گرفتن محتوای آن به دنبال تحقق مصالح عموم افراد جامعه است. بر این اساس رعایت مصالح عمومی اقتضاء تشکیل هر حکومتی است؛ به عبارت دیگر امروزه این اصل مورد پذیرش قرار گرفته است که مجوز اصلی عملکرد دولت‌ها حاکمیت مصالح عمومی و ملی است. (فخار طوسی، ۱۳۷۸، ۳۷۳)

۴- مصالح عمومی در نظام جمهوری اسلامی ایران

پس از روشن شدن مفهوم و مبانی رعایت مصالح عمومی، باید سازوکار قانونی این امر در نظام قانونی جمهوری اسلامی ایران مورد مطالعه قرار گیرد. به عنوان مقدمه باید بیان نمود که مطابق با مبانی فقهی و حقوقی بیان شده رعایت مصالح عمومی در همه‌ی تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات به عنوان وظیفه‌ی همه‌ی مقامات عمومی در هر سطحی محسوب می‌شود و هر مقامی در هر جایگاهی مکلف به رعایت مصالح عمومی است. با وجود این قانون‌گذار اساسی به طور خاص در خصوص نحوه و راهکار تشخیص مصلحت در روند قانون‌گذاری اقدام به اساسی‌سازی نهادی تحت عنوان مجمع تشخیص مصلحت نظام نموده است و اصل یکصد و دوازدهم قانون

اساسی^(۱) نهاد متولی تشخیص مصلحت نظام را در موارد عدم توافق مجلس و شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار می‌دهد. بر اساس این اصل در موارد تعارض میان مجلس و شورای نگهبان، در صورتی که مجلس با رعایت مصلحت نظر شورای نگهبان را تأمین نکند، مصوبه جهت تشخیص مصلحت به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع می‌گردد؛ بنابراین اصل تشخیص مصلحت در دو مرحله و به وسیله دو نهاد صورت می‌گیرد نهاد اول مجلس شورای اسلامی است که ابتدا در مقام بیان مصلحت علیرغم مخالفت شورای نگهبان بر مصوبه خویش اصرار می‌ورزد و سپس مجمع تشخیص مصلحت در مقام تشخیص مصالح بر می‌آید که تصمیمات این نهاد نیز بر مدار مصلحت نظام اسلامی خواهد بود. از همین رو در ادامه سیر مختصری بر روند تشخیص مصلحت به وسیله‌ی نهاد حقوقی مجمع تشخیص مصلحت نظام خواهیم داشت.

با استناد به اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی و بر مبنای ماده ۲۰۲ آئین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، پس از آنکه شورای نگهبان نسبت به مصوبه مجلس اظهار نظر نمود، کمیسیون مربوطه نظر خود نسبت به ایرادات شورای نگهبان را مطرح می‌نماید و سپس نسبت به مصوبه رای گیری شده و برای شورا ارسال می‌گردد. در صورتی که شورای نگهبان مصوبه مجلس را تأمین کننده نظرات خود نداند برای سومین بار مصوبه در مجلس مطرح می‌شود. در صورتی که نمایندگان مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام و با علم به نظر شورای نگهبان بر رای خود باقی باشند، مصوبه مذکور به وسیله رئیس مجلس برای مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال می‌گردد.

مطابق با ماده ۲۵ آئین نامه داخلی مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز ترتیب موضوعات جهت تشخیص مصلحت به این گونه است که پس از اعلام نظر شورای

۱. اصل یکصد و دوازدهم - مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می‌دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است به دستور رهبری تشکیل می‌شود. اعضای ثابت و متغیر این مجمع را مقام رهبری تعیین می‌نماید. مقررات مربوط به مجمع توسط خود اعضاء تهیه و تصویب و به تأیید مقام رهبری خواهد رسید.

نگهبان نسبت به مغایرت مصوبه مجلس با شرع و قانون اساسی؛ چنانچه مجلس بر نظر خود باقی بود و با در نظر گرفتن مصلحت نظام نظر شورای نگهبان را تأمین نکرد مصوبه برای مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال می‌گردد. (ماده ۲۵) در تحلیل و بررسی حقوقی نحوه ورود مجمع به مصوبات ارجاعی باید بیان نمود که آنچه دارای اهمیت است یأس از دستیابی به توافق میان مجلس و شورای نگهبان می‌باشد. به عبارت دقیق‌تر مجمع هنگامی وارد جریان قانون‌گذاری می‌گردد که نمایندگان مجلس با علم به مخالفت شورای نگهبان با مفاد مصوبه خویش، بر تصویب آن اصرار ورزند. به نظر تذکر دبیر شورای نگهبان در سال ۱۳۷۵ در مورد چگونگی اجرای اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی موید این ادعا است. ایشان در این تذکر بیان می‌دارد که ارجاع موضوع از ناحیه رئیس مجلس و تشخیص کمیسیون حتی با اطلاع مجلس کافی نیست و لازم است مصوبه پس از یأس از دستیابی به راه حل مناسب در جهت تأمین نظر شورا و رای مجلس به مجمع تشخیص مصلحت ارجاع گردد.^(۱) (مرکز تحقیقات شورای نگهبان، ۱۳۸۱، ۴۸۹)

برابر با آیین نامه داخلی مجمع جلسات پیرامون حل تعارض با حضور تمام اعضای مجمع (اعم از اعضای ثابت و متغیر) تشکیل می‌گردد و با حضور دو سوم اعضا رسمیت می‌یابد (ماده ۱۹)^(۲) و پس از طرح و توضیح موضوع یکی از اعضای شورای نگهبان، رئیس کمیسیون مربوطه در مجلس شورای اسلامی، وزیر یا رئیس

۱. چون به صراحت اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی مصوبه‌های مجلس شورای اسلامی در صورتی قابل ارجاع به مجمع تشخیص مصلحت است که شورای نگهبان آن را خلاف موازین شرع و قانون اساسی تشخیص داده و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام نظر شورا را تأمین نکند علیهذا ارجاع موضوع از ناحیه ریاست و به تشخیص اعضای کمیسیون حتی با اطلاع مجلس کافی به تأمین قیود و شرایط اصل مزبور نمی‌باشد و لازم است مصوبه پس از یأس از دستیابی به راه حل مناسب در جهت تأمین نظر این شورا و رای مجلس به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع شود (شماره: ۱۳۷۵/۱۲/۱۴-تاریخ: ۷۵/۲۱/۱۵۳۴).

۲. ماده ۱۹: جلسات شورای مجمع به هنگام بحث در مصوبات مورد تعارض مجلس و شورای نگهبان (موضوع قسمت اول اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی) متشکل خواهد بود از همه اعضای مذکور در حکم مقام معظم رهبری این جلسات با حضور دو سوم کل اعضای مجمع رسمیت می‌یابند و تصمیمات با لحاظ بین، حائز اهمیت و ملزم بودن مصلحت مورد نظر با اکثریت دو سوم اعضای حاضر معتبر است.

دستگاهی که موضوع با وظایف آن‌ها در ارتباط است و دو مخالف و دو موافق به اظهار نظر می‌پردازند (ماده ۲۷)^(۱) و سپس تصمیم‌گیری با توجه به موضوع، حائز اهمیت و ملزم بودن مصلحت با اکثریت دو سوم اعضای حاضر خواهد بود. (ماده ۱۹)

درخصوص اختیارات مجمع در رسیدگی به مصوبات در ادبیات حقوقی و در جایگاه تبیین قانون اساسی به وسیله اندیشمندان حوزه حقوق عمومی دو نظر مطرح گردیده است. مطابق با نظریه اول مجمع همانند دادگاهی است که ملزم به پذیرش یکی از نظرات است. در تبیین نظر این گروه می‌توان بیان نمود که پس از آنکه مصوبه به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع گردید این نهاد با دو نظر متفاوت روبرو است. نظریه مجلس شورای اسلامی که مصوبه را به مصلحت نظام می‌داند و نظر شورای نگهبان که مصوبه را مغایر با احکام شرعی می‌پندارد. از همین رو مجمع تشخیص مصلحت نظام پس از بررسی ادعای طرفین تنها حق دارد یکی از این دو نظر را برگزیند و از این حیث صلاحیت این نهاد محدود می‌باشد. (هاشمی، ۱۳۷۲، ۷۴۴)

به عبارت دقیق‌تر مجمع تشخیص مصلحت نظام در این مقام تنها صلاحیت نظارتی داشته و حق صلاحیت پژوهشی ندارد. (زارعی، ۱۳۸۳، ۳۲۵)

مطابق با نظر دوم، اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مرجع نهایی تشخیص مصلحت را مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌داند و اختیار نهایی را به این نهاد سپرده است. بر این اساس مجمع می‌تواند در موارد تعارض در برابر دیدگاه‌های مجلس و شورای نگهبان؛ مصلحت کشور را خود راسا و امری متفاوت از آن دو قرار دهد چرا که مطلق امر تشخیص مصلحت از وظایف حاکم اسلامی است و رهبری این وظیفه خود را به مجمع تفویض نموده است و مجمع متناسب با آنچه صلاح نظام اسلامی باشد مصوبه را به تصویب می‌رساند. (حسن‌نژاد،

۱. هنگام طرح هر یک از مباحث مربوط به تعارض میان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان و همچنین معضلات و اموری که برای مشورت از طرف مقام معظم رهبری به مجمع ارجاع می‌شود و مسائل مربوط به سیاست‌های کلی نظام ترتیب مذاکرات به شرح زیر خواهد بود:

الف- در مورد تعارض میان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان پس از طرح و توضیح مسئله، توسط کمیسیون ذریع مجمع، یکی از اعضای شورای نگهبان و سپس رئیس کمیسیون مربوط در مجلس و آنگاه وزیر یا رئیس دستگاهی که موضوع مورد بحث به دستگاه وی مربوط می‌شود، توضیح لازم را خواهند داد. آنگاه دو موافق و دو مخالف اظهار نظر خواهند کرد و سپس رای‌گیری به عمل خواهد آمد.

۱۳۷۵، ۲۰۵) قائلین به این نظریه معتقدند که اصل یکصد و دوازدهم مقرر می‌دارد در مواردی که میان مجلس و شورای نگهبان در تشخیص مصالح تعارضی به وجود آمد مرجع تشخیص مصلحت مجمع می‌باشد و بر همین اساس حق دارد آنچه را که مصلحت نظام است را تشخیص دهد و مطابق با آن تصمیم‌گیری نماید.

در تحلیل این دو دیدگاه می‌توان بیان نمود که قانون اساسی موضوع تشخیص مصلحت را به این نهاد سپرده است و مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌تواند، در صورتی که پس از مطالعه دقیق موضوع و کارشناسی افراد متخصص، موضوع دیگری را به عنوان مصلحت نظام محسوب نمود، مطابق با آن تصمیم‌گیری نماید. لذا بر خلاف نظر برخی اساتید حقوقی که معتقدند مجمع حق تغییر در سایر موادی را که مشخصاً محل تعارض نبوده را ندارد؛ (مهرپور، ۱۳۷۲، ۷۶) مجمع می‌تواند همه موادی را که موضوع محل تعارض نبوده اما مطابق با تصمیم خود پیرامون مصلحت فعلی نظام، مستلزم تغییر است را مورد جرح و تعدیل قرار دهد. موید این ادعا نیز در آیین نامه داخلی مجمع تشخیص مصلحت نظام که به تایید رهبری نیز رسیده است ملاحظه می‌گردد که مقرر می‌دارد: «در موارد تعارض میان شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی که منجر به اصلاح ماده یا مواد مورد اختلاف می‌شود، چنانچه اصلاح یاد شده مستلزم انجام اصلاحاتی در ماده یا مواد دیگر باشد، مجمع این اصلاحات را در حد ضرورت اعمال خواهد کرد».^(۱) (ماده ۲۸) لازم به ذکر است بر خلاف نظر تعدادی از حقوق دانان که مجمع را تنها موظف به رسیدگی به موضوع محل تعارض می‌نمایند و از رسیدگی به سایر مواد قانونی منع می‌کنند؛ (زارعی، ۱۳۸۳، ۳۲۴) مطابق با نظر رهبری مجمع می‌تواند در سایر موادی که مطابق با مصالح نظام تغییر در آن ضروری به نظر می‌رسد بر اساس «حل معضل» اقدام نماید. (جوادی، ۱۳۸۹، ۵۸۱)

در همین راستا و بر اساس آیین نامه داخلی مجمع می‌توان دو موضوع را از یکدیگر تفکیک نمود موضوع اول تغییر در مواد مرتبط با تصمیم اتخاذ شده به وسیله مجمع که آیین نامه در حد ضرورت اجازه این امر را صادر نموده است و موادی که رای دادن به

۱. ماده ۲۸: در موارد تعارض میان شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی که منجر به اصلاح ماده یا مواد مورد اختلاف می‌شود، چنانچه اصلاح یاد شده مستلزم انجام اصلاحاتی در ماده یا مواد دیگر باشد، مجمع این اصلاحات را در حد ضرورت اعمال خواهد کرد.

تصمیم جدید مجمع متوقف بر اصلاح بخش دیگری از مواد مصوبه است که در این موارد مجمع موضوع را به استحضار مقام معظم رهبری می‌رساند و در صورت موافقت معظم‌له، نسبت به بررسی بخش مورد نظر اقدام خواهد کرد. (ماده ۲۹) که به نظر می‌توان قسمت اخیر را ذیل عنوان معضل نظام موضوع بند ۸ اصل یکصد و دهم مطالعه نمود.

بنابراین نهاد نهایی تشخیص مصلحت مجمع تشخیص مصلحت نظام بوده و می‌تواند بدون پذیرش هیچ یک از دیدگاه‌های مجلس و شورای نگهبان راسا اقدام به تشخیص مصلحت نظام نماید و مواد مرتبطی را که مطابق با تشخیص جدید مستلزم تغییر است را مورد جرح و تعدیل قرار دهد و تغییر در مواد غیر مرتبط نیز منوط به موافقت رهبری می‌باشد.

جمع بندی

مصلحت در لغت به معنای خیر و صلاح بوده و مقصود از مصالح عمومی نیز رعایت خیر و صلاح مشترک جامعه است که متضمن رعایت حقوق، ارزش‌ها و اهداف یک نظام سیاسی است و مستلزم اتخاذ تصمیمات گوناگون متناسب با موقعیت پیش آمده است. مصالح عامه، خیر العام و منفعت عمومی از جمله واژگان مشابه مصالح عمومی در ادبیات حقوق عمومی محسوب می‌گردد.

ادله‌ی لزوم رعایت مصلحت مولی‌علیهم به عنوان مهمترین مبنای فقهی رعایت مصالح عمومی در اندیشه‌ی اسلامی مطرح است. در این خصوص می‌توان گفت از آن جا که در عرصه‌ی حقوق عمومی مقامات حکومتی، در حدود وظایف و اختیارات خود، اعم از اختیارات تصمیم‌گیری و اجرا در شئون مختلف زندگی فردی و اجتماعی مردم تصرف می‌نمایند و تصدی بسیاری از امور نظام مبتنی بر حاکمیت شریعت را بر عهده دارند؛ دارای ولایت هستند و بر اساس مبانی فقهی، اقتضای ولایت عمل مطابق مصالح مولی‌علیهم است؛ در نتیجه رعایت مصالح عمومی در اندیشه‌ی اسلامی امری ضروری تلقی می‌گردد.

در خصوص مبنای حقوقی مصالح عمومی نیز می‌توان گفت همه‌ی صاحب‌نظران عرصه‌ی حقوق عمومی بر این باورند که تشکیل حکومت به منظور تامین مصالح عمومی صورت می‌گیرد. به بیان دیگر هدف غایی و نهایی از تشکیل نظام‌های سیاسی تشخیص صحیح و به منصفی ظهور رساندن مصالح عمومی است.

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران نیز با وجود آن که رعایت مصالح وظیفه‌ی همه‌ی مقامات حکومتی محسوب می‌گردد اما بر اساس اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی موضوع تشخیص مصالح در زمینه‌ی قانون‌گذاری بر عهده‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌باشد. در صورتی که مجلس با رعایت مصلحت نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و پس از یاس از دستیابی به نتیجه و با علم نمایندگان مجلس به مصلحت بودن موضوع، مجمع تشخیص مصلحت اقدام به تشخیص مصالح عمومی می‌نماید.

منابعی جهت مطالعه‌ی بیشتر

۱. ارسطا محمدجواد، تشخیص مصلحت نظام، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۹.
۲. افتخاری اصغر، مصلحت، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰.
۳. البوطی سعید رمضان، مصلحت و شریعت، ترجمه افتخاری اصغر، تهران: گام نو، ۱۳۸۴.
۴. توکلی اسدالله، مصلحت در فقه شیعه و سنی، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۴.
۵. تولایی علی، نگرشی تاریخی بر جایگاه مصلحت در فقه امامیه، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۱.
۶. حسین نژاد حسین، نهاد مجمع تشخیص مصلحت نظام در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
۷. خسروپناه عبدالحسین، گفتمان مصلحت، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۹.
۸. معینی جهانگیر، «پارادوکس‌های نظریه مصلحت عمومی»، نامه فلسفه، شماره ۸، ۱۳۷۸.
۹. معینی علمداری جهانگیر، «رابطه مصلحت عمومی و آزادی فردی»، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴۴، ۱۳۷۸.
۱۰. منصورنژاد محمد، «بررسی تطبیقی مفهوم مصلحت از دیدگاه امام خمینی (ره) و اندیشمندان غربی»، حکومت اسلامی، شماره ۱۲، ۱۳۷۸.

منابع و مأخذ

۱. ابن منظور محمد بن مکرم، لسان العرب، ۱۵ جلد، بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع - دار صادر، ۱۴۱۴ هـ.
۲. ابی الحسین احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، ۶ ج، بیروت: دارالجید، ۱۴۱۱ ق. / ۱۹۹۹ م.
۳. ادیانی سید علیرضا، کاربست مصلحت در نظام جمهوری اسلامی ایران، انتشارات زمزم هدایت، ۱۳۹۰.
۴. ارسطو، سیاست، ترجمه حمید عنایت، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱.
۵. انصاری، ولی الله، کلیات حقوق اداری، میزان، چهارم، ۱۳۸۱.
۶. ایرانیان اکبر، فرهنگ انگلیسی فارسی، تهران: نشر زبان پژوه، ۱۳۸۵.
۷. بهادری جهرمی علی، اصول حاکم بر تصمیم گیری مقامات سیاسی در حکومت اسلامی، رساله دکتری دانشکده حقوق پردیس فارابی دانشگاه تهران، ۱۳۹۴.
۸. بهجت فومنی، محمد تقی، استفتاءات (بهجت)، ۴ جلد، دفتر حضرت آیه الله بهجت، قم - ایران، اول، ۱۴۲۸ هـ ق.
۹. طهرانی، سید محمد حسین حسینی، ولایت فقیه در حکومت اسلام، ۴ جلد، انتشارات علامه طباطبائی، مشهد - ایران، دوم، ۱۴۲۱ هـ ق.
۱۰. تقوی محمد ناصر، حکومت و مصلحت، تهران: امیر کبیر، چ اول، ۱۳۷۸.
۱۱. جعفری لنگرودی محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۵، تهران: گنج دانش، ۱۳۸۶.
۱۲. جناتی شاهرودی محمد ابراهیم، ادوار فقه و کیفیت بیان آن، در یک جلد، هـ ق.
۱۳. جوادی، غلامرضا، مصوبات و اسناد و مدارک مجمع تشخیص مصلحت نظام، تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۹.
۱۴. جوادی آملی عبدالله، ولایت فقیه ولایت فقاها و عدالت، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ چهاردهم، ۱۳۹۱.
۱۵. حبیب نژاد سید احمد، تشخیص مصلحت در آئینه فقه و حقوق، قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۳.

۱۶. حسن زاده اسماعیل، مصلحت عمومی در اندیشه ی سیاسی خواجه رشید الدین فضل الله همدانی، تهران: مطالعات تاریخ فرهنگی، پاییز، ۱۳۸۸.
۱۷. حسن نژاد، حسین، نهاد مجمع تشخیص در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۵
۱۸. خمینی، سید روح الله، صحیفه امام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۷۸.
۱۹. خمینی، سید روح الله موسوی، تحریر الوسیله، ۲ جلد، مؤسسه مطبوعات دار العلم، قم - ایران، اول، بی تا
۲۰. خمینی، سید روح الله موسوی، کتاب البیع، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۴۲۱ ه ق
۲۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷
۲۲. راسخ محمد، حق و مصلحت، تهران: طرح نو، ۱۳۸۱
۲۳. ردهد برایان، اندیشه سیاسی از افلاطون تا ناتو، ترجمه مرتضی کاخی، اکبر افسری، تهران: مؤسسه انتشارات آگاه، ۱۳۷۳
۲۴. روسو ژان ژاک، قرار داد اجتماعی، ترجمه مرتضی کلانتریان، تهران: نشر آگه، اول، ۱۳۹۲
۲۵. زارعی، محمد حسین، «نظام قانون گذاری ایران و جایگاه مجمع تشخیص مصلحت»، مجله راهبرد، شماره ۳۴، (از ۳۲۰ تا ۳۳۳)، ۱۳۸۳
۲۶. سعدی ابوجیب، القاموس الفقهی لغة و اصطلاحاً، دمشق: دار الفکر، بیتا
۲۷. سلیمی، موسی، مصلحت اندیشی و تکلیف محوری در اندیشه و سیره امام علی (ع)، اندیشه صادق، ۱۳۷۹
۲۸. شرتونی، سعید، اقرب الموارد، قم، مکتبه آیه الله مرعشی، چ اول، ۱۴۰۳.
۲۹. شریعتی روح الله، قواعد فقه سیاسی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷
۳۰. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، تکملة العروة الوثقی، ۲ جلد، کتابفروشی داورى، قم - ایران، اول، ۱۴۱۴ ه ق

۳۱. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، جلد‌های ۴ و ۱ و ۶، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، تهران، ۱۴۰۸.
۳۲. عباسی، بیژن، حقوق اداری، نشر دادگستر، ۱۳۸۹.
۳۳. علی احمدی حسین، نقش مصلحت نظام در فقه اسلام (احکام حکومتی و مصلحت)، ج ۷، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۷۸.
۳۴. علیدوست ابوالقاسم، فقه و مصلحت، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸.
۳۵. عمید زنجانی عباسعلی - موسی زاده ابراهیم، دانشنامه فقه سیاسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.
۳۶. فخار طوسی جواد، جایگاه مصلحت در شریعت و تبیین اندیشه امام (ره) (احکام حکومتی و مصلحت)، ج ۷، تهران: انتشارات موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.
۳۷. قربانزاده سوار قربانعلی، مبانی مصلحت عمومی در اندیشه سیاسی امام خمینی (س)، تهران، معاونت پژوهشی پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
۳۸. قمی، میرزا، قوانین الاصول، بی جا، ۱۳۰۳.
۳۹. الکیالی عبدالوهاب، الموسوعه السياسيه، ۶ جلد، بیروت: الموسسه العربيه للدراسات و النشر، ۱۹۹۰.
۴۰. مرعشی سید محمد حسن، «مصلحت و پایه‌های فقهی آن»، مجله حقوقی و قضائی دادگستری، شماره ۱ زمستان، ۱۳۷۱.
۴۱. مرکز تحقیقات شورای نگهبان، مجموعه نظریات شورای نگهبان (۱۳۵۹-۱۳۸۰)، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۸۱.
۴۲. معین محمد، فرهنگ فارسی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۸.
۴۳. مکارم شیرازی، ناصر، رساله توضیح المسائل (مکارم)، در یک جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، پنجاه و دوم، ۱۴۲۹ هـ ق.
۴۴. منتظری حسین علی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، مترجم: صلواتی، محمود و شکوری، ابو الفضل، ۸ جلد، قم: مؤسسه کیهان، ۱۴۰۹ هـ ق.

۴۵. منصورنژاد، محمد، بررسی تطبیقی مفهوم مصلحت از دیدگاه امام خمینی (ره) و اندیشمندان غربی، حکومت اسلامی، ۱۳۷۸
۴۶. موسوی خلخالی، سید محمد مهدی - مترجم، جعفر الهادی، حاکمیت در اسلام یا ولایت فقیه، در یک جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۲۲ هـ ق
۴۷. موسی زاده، ابراهیم، حقوق اداری، نشر دادگستر، اول، ۱۳۹۱
۴۸. مهرپور، حسین، دیدگاه‌های جدید در مسائل حقوقی، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۲
۴۹. میل جان استوارت، حکومت انتخابی، ترجمه علی رامین، تهران: نشر نی، ۱۳۸۹
۵۰. ولف جاناتان، درآمدی بر فلسفه سیاسی، ترجمه: حمید پژوهش، تهران: انتشارات کتاب آمه، ۱۳۸۹
۵۱. هاشمی، محمد، نگرشی به قانون جدید کار، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۲

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و
چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و طایف اسلامی و ملی خود
را ایضا و تحت تاثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و
قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام ج ۲۱، ص ۴۲۲)



بزرگواران شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد قمری،
کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir